

## مناجات الهیات امیرالمؤمنین علیه السلام «الهی نامه حضرت علی علیه السلام»

البدالأمین والدرع الحصین، ابراهیم بن علی کعمی متوفای ۹۰۵ هجری قمری ص: ۳۱۲

وبحار الأنوار علامه محمداقربمجلسی، ج ۹۱، ص: ۱۰۰

مَرْوِيَّةٌ عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

إِلَهِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثْرِي وَامْتَحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي  
وَصِرْتُ فِي الْمَنْسِيِّينَ كَمَنْ قَدُنُسِي

معبودا درود فرست بر حضرت محمد و بر خاندان پیامبر و به من رحم کن آنگاه که رشته ارتباطم از این دنیا بریده شود، و نامم از میان مخلوقات محو گردد و مانند فراموش شدگان بدست فراموشی سپرده شوم

إِلَهِي كَبِرْتَ سِنِّي وَرَقَّ جِلْدِي وَدَقَّ عَظْمِي وَنَالَ الدَّهْرُ مِنِّي وَاقْتَرَبَ أَجَلِي وَنَفِدَتْ أَيَّامِي  
وَذَهَبَتْ شَهْوَاتِي وَبَقِيَتْ تَبَعَاتِي

معبودا عمرم زیاد گشته، و پوست تنم نازک شده، و استخوانم باریک گردیده و روزگار آنچه را باید به سرم بیاورد درآورده و مرگم نزدیک گشته، و روزگارم به سر آمده، و شهوات و امیالم سپری گشته ولی مسئولیتهايش برای من به جای مانده

إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا تَغَيَّرَتْ صُورَتِي وَامْتَحَتْ مَحَاسِنِي وَبَلَى جِسْمِي وَتَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي وَتَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي  
معبودا! آنگاه که صورتم دگرگون شود، و زیباییهایم همه از دست برود، و تنم پوسیده شود، بندهای تنم از هم جدا گردد، و اعضای بدنم پراکنده شود، آنگاه به من ترحم فرما.

إِلَهِي اْحْمَمْنِي ذُنُوبِي وَقَطَّعْتَ مَقَالَتِي فَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُدْرَةَ فَأَنَا الْمُقْرَبُ بِجُرْمِي

معبودا! گناهانم مرا خموش ساخته، و سخنم را بریده، و هیچ گونه عذر و برهانی هم (برای انجام گناهانم) ندارم، و با این ترتیب منم که بگناه خویش اقرار دارم

الْمُعْتَرِفُ بِإِسَاءَتِي الْأَسِيرُ بِذَنبِي الْمُرْتَهِنُ بِعَمَلِي الْمَتَهَوِّرُ فِي بُحُورِ خَطِيئَتِي الْمُتَحَيِّرُ  
عَنْ قَصْدِي الْمُنْقَطِعُ بِي

و به بدی خود اعتراف میکنم، و این منم که در بند گناهم گرفتارم، و پای بند عمل و کردارم میباشم از بی باکی خویشان را در دریاهاى خطاکاری خود انداختهام و از مقصد اصلی سرگردان شده و راه چاره بر من بریده شده

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ وَتَجَاوَزْ عَنِّي يَا كَرِيمُ بِفَضْلِكَ

(خدایا) پس (اولاً) درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و (ثانیاً) به مهر خویش به من ترحم فرما،  
و به فضل خود ای خدای کریم از من درگذر

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي

معبودا! اگر کردارم در برابر طاعتت کوچک است ولی در عوض آرزویم در پیش امید به تو بزرگ است

إِلَهِي كَيْفَ أَتَقَلَّبُ بِالْخَيْبَةِ مِنْ عِنْدِكَ مَحْرُومًا وَكَانَ ظَنِّي بِكَ وَبِجُودِكَ أَنْ تَقَلَّبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا

معبودا چگونه از درگاهت محرومانه از روی نومییدی بازگردم با اینکه گمانی که به تو و کرم و خود تو داشتم آن بود که مرا رستگاران  
در حالی که مورد رحمتت قرار داده‌ای از درگاهت بازگردانی

إِلَهِي لَمْ أَسَلْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي بِكَ قُنُوطَ الْآيِسِينَ وَلَا تَبْطُلَ صِدْقَ رَجَائِي لَكَ بَيْنَ الْأَمَلِينَ

معبودا! من هیچ گاه با خوش گمانی خود- که به تو دارم- نومییدی اشخاص مأیوس را بر خود چیره و مسلط نسازم، تو نیز امیدواری  
مرا به خودت- در میان امیدواران مبدل به نومییدی مفرما

إِلَهِي عَظُمَ جُرْمِي إِذْ كُنْتَ الْمُبَارِزَ بِهِ وَكَبُرَ ذَنْبِي إِذْ كُنْتَ الْمُطَالِبَ بِهِ إِلَّا أَنِّي إِذَا ذَكَرْتُ كَبِيرَ جُرْمِي وَ

عَظِيمَ عُفْرَانِكَ وَجَدْتُ الْحَاصِلَ لِي مِنْ بَيْنَهُمَا عَفْوَرِ ضَوَانِكَ

معبودا! براستی جرم من بزرگ است اگر تو آن را آشکار کنی و گناهم عظیم است اگر آن را مؤاخذه فرمائی جز آنکه- ای آقای من- هر  
گاه به یاد جرم بزرگ خود می‌افتم و از آن سو آموزش عظیم تو را به یاد آورم آنچه از این میان به دستم آید همان گذشت تو است.

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ بِذَنْبِي فَخَشِيْ عِقَابِكَ فَقَدْ نَادَانِي إِلَى الْجَنَّةِ بِالرَّجَاءِ حُسْنُ ثَوَابِكَ

معبودا! اگر ترس از شکنجه‌ات در برابر گناه مرا بسوی آتش دوزخ میخواند ولی در عوض پاداش نیک تو مرا ندای امیدواری به بهشت میدهد

إِلَهِي إِنْ أَوْحَشْتَنِي الْخَطَايَا عَنْ مَحَاسِنِ لَطْفِكَ فَقَدْ أَنْسَتَنِي بِالْيَقِينِ مَكَارِمَ عَطْفِكَ

معبودا اگر خطاکاریهایم مرا با زیباییهای لطفت نامأنوس ساخته ولی توجه کریمانه‌ات مرا با یقین مأنوس کرده است.

إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي الْعَفْلَةَ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ أَنْبَهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ يَا سَيِّدِي بِكَرِيمِ الْإِيْتِاقِ

معبودا اگر بی‌خبری و غفلت از آمادگی دیدارت مرا به خواب فرو برده ولی در عوض- ای آقای من- آشنائی به نعمت‌های  
کریمانه‌ات مرا به خود آورده

إِلَهِي إِنْ عَزَبَ لِيَّ عَنْ تَقْوِيمِ مَا يُصَلِحُنِي فَمَا عَزَبَ إِيقَانِي بِنَظْرِكَ لِي فِيمَا يَنْفَعُنِي

معبودا اگر خردم بیگانه است از اینکه بتواند آنچه را به سود و صلاح من است برایم آماده سازد، ولی یقینم به اینکه نظر سودمندانه‌ات در مورد منافع و مصالحم به سوی من متوجه است به خطا نرفته

إِلَهِي إِنْ أَنْقَرَضْتَ بَعِيرِي مَا أَحْبَبْتَ مِنَ السَّعْيِ أَيَّامِي فَبِالْإِيمَانِ أَمْضَيْتُ الْمَاضِيَّاتِ مِنْ أَعْوَامِي

معبودا اگر کوششهایم در روزهایی که از من سپری شده بر طبق دلخواه تو نبوده ولی (مسلم) سالهای عمرم که بر من گذشته را همه بر پایه ایمان به تو سپری کرده ام

إِلَهِي جِئْتُكَ مَلْهُوفاً قَدْ أَلْبَسْتُ عُدْمَ فَاقَتِي وَأَقَامَنِي مُقَامَ الْأَذَلِّ بَيْنَ يَدَيْكَ ضَرْحًا جِئْتُ

معبودا! با دلی اندوهناک و سوزان به درگاهت آمده و جامه ناداری به تن کرده و سختی نیازمندیم مرا همچون مردمان خوار در پیشگاهت واداشته

إِلَهِي كَرَّمْتَ فَأَكْرَمَنِي إِذْ كُنْتُ مِنْ سُؤَالَكَ وَجَدْتَ بِالْمَعْرُوفِ فَأَخْلَطَنِي بِأَهْلِ نَوَالِكَ

معبودا کرم فرمودی پس مرا نیز مورد کرم خویش قرار ده چون من از خواستاران درگاه توام، و به نیکی و احسان جود فرمودی پس مرا نیز در زمره بهره‌مندان از نعمتت داخل کن

إِلَهِي مَسْكَنَتِي لَا يَجْبُرُهَا إِلَّا عَطَاؤُكَ وَأَمْنِيَّتِي لَا يُغْنِيهَا إِلَّا جَزَاؤُكَ

خدایا بینوائی و ناداری مرا جز عطای تو چیزی جبران نکند، و خواسته مرا جز پاداش نیک تو چیزی بی‌نیاز نکند

إِلَهِي أَصْبَحْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ مَنْحِكَ سَائِلًا وَعَنِ التَّعَرُّضِ لِسُؤَالِكَ بِالْمَسْأَلَةِ عَادِلًا

وَلَيْسَ مِنْ جَمِيلِ امْتِنَانِكَ رَدُّ سَائِلٍ مَلْهُوفاً وَمُضْطَرًّا لَا تَتَّظَارِ خَيْرِكَ الْمَأْلُوفِ

معبودا من به یکی از درهای عطای بی‌پایانت سائلانه روزم را بامداد کرده، و از رفتن به درگاه دیگران برای درخواست روگردانده‌ام و راه و رسم منت بخشی نیکویت چنان نیست که سائل اندوهناک و پریشانی را (چون من) که چشم به راه نیکی سابقه‌دار تو می باشد از درگاهت برانی

إِلَهِي أَقَمْتُ عَلَى فَنَطْرَةٍ مِنْ قَنَاطِرِ الْأَخْطَارِ مَبْلُوءًا بِالْأَعْمَالِ وَالْإِعْتِبَارِ فَأَنَا الْهَالِكُ

إِنْ لَمْ تُعِنْ عَلَيْنَا بِتَخْفِيفِ الْأَثْقَالِ

معبودا بر سر پلی از پلهای پر خوف و خطر ایستاده‌ام در حالی که به کردارهای خود و پندگیری (از این دنیا) آزمایش شده‌ام و به راستی که اگر با سبک کردن سنگینی‌های گناه کمکم نکنی هلاک خواهم شد

إِلَهِي أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلُ بُكَائِي أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرُ رَجَائِي

خدایا آیا مرا جزء مردمان بدبخت آفریده‌ای تا گریه‌ام بدرازا کشد، یا از نیکبختانم آفریده‌ای تا امیدم را (که بتو دارم) نوید دهم

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي رُؤْيَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دَارِ السَّلَامِ وَأَعَدَمْتَنِي تَطَوُّفَ الْوُصَفَاءِ مِنَ الْخُدَّامِ

معبودا اگر مرا از دیدار محمد (ص) در بهشت محروم گرداندی، و از خدمتگزاری خدمتگزاران نیک منظر بی‌بهره‌ام سازی

وَصَرَفْتُ وَجْهَ تَأْمِيلِي بِالْحَيْبَةِ فِي دَارِ الْمُقَامِ فَغَيَّرَ ذَلِكَ مَتْنِي نَفْسِي مِنْكَ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ

و اگر روی نیازمندیم را در روز رستاخیز به نومیدی بازگردانی، و در نتیجه میان مردمان از درخواستی که داشته‌ام نومید سازی (این کار با آن چشم امید که به لطف تو داشته‌ام سازگار نیست و) دل من به جز این مرا آرزومند کرده است ای جودمند نعمت‌بخش

إِلَهِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَلَوْ قَرَّتْنِي فِي الْأَصْفَادِ طُولَ الْأَيَّامِ وَمَنْعَتْنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَنْامِ وَحُلَّتْ بَيْنِي

وَبَيْنَ الْكِرَامِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَلَا صَرَفْتُ وَجْهَ انْتِظَارِي لِلْعَفْوِ عَنكَ

معبودا به عزت و جلالت سوگند اگر روزهای دراز مرا با غل و زنجیر (کیفرت) ببندی و قرین (و همدم) سازی، و تنها از میان همه مردم مرا از عطای خویش بازداری و میان من و مردمان (والامقام) گرمی حائل شوی هیچ گاه امید من از تو قطع نشود، و روی امید را که به عفو و گذشت تو دارم به سوی دیگری باز نگردانم

إِلَهِي لَوْلَمْ تَهْدِنِي إِلَى الْإِسْلَامِ مَا اهْتَدَيْتُ وَلَوْلَمْ تَرْزُقْنِي الْإِيمَانَ بِكَ مَا آمَنْتُ وَلَوْلَمْ تُطَلِّقْ لِسَانِي

بِدُعَائِكَ مَا دَعَوْتُ وَلَوْلَمْ تُعَرِّفْنِي حَلَالَ وَرَمَعْرِفَتِكَ مَا عَرَفْتُ وَلَوْلَمْ تُبَيِّنْ لِي شَدِيدَ عِقَابِكَ مَا اسْتَجَرْتُ

خدایا اگر تو مرا به (دین) اسلام راهنمایی نفرموده بودی من بدان راه نیافته بودم و اگر ایمان به خودت را روزی من نکرده بودی من ایمان نمی‌آوردم، و اگر تو زبانم را به دعا باز نکرده بودی دعا نتوانستم، و اگر شکنجه سختت را برای من شرح نداده بودی من پناه‌جوئی نمی‌کردم

إِلَهِي أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوْحِيدُ وَلَمْ أَعْصِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ

وَهُوَ الْكُفْرُ فَأَغْفِرْ لِي مَا بَيْنَهُمَا

معبودا تو را در محبوبترین چیزها در نزدت - که همان توحید و یکتاپرستی تو باشد - اطاعت و فرمانبرداری کردم، و در مبغوض‌ترین چیزها در نزدت - که همان کفر به تو باشد - نافرمانیت نکردم، پس گناهیانی را که در میان این دو (مرحله ایمان و کفر) است از من بیامرز

إِلَهِي أَحِبُّ طَاعَتَكَ وَإِنْ قَصَّرْتُ عَنْهَا وَأَكْرَهُ مَعْصِيَتَكَ وَإِنْ رَكِبْتُهَا فَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ  
وَإِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِهَا وَخَلَصْنِي مِنَ النَّارِ وَإِنْ اسْتَوْجَبْتُهَا

خدایا من اطاعت و فرمانبرداری تو را دوست دارم و گر چه در آن کوتاهی کنم، و نافرمانیت را خوش ندارم و گر چه مرتکب گزافم، پس (ای خدا) بهشت را بر من تفضل فرما اگر چه شایسته آن نیستم، و از دوزخ نجاتم ده اگر چه سزاوار آنم

إِلَهِي إِنْ أَفْعَدَنِي التَّخَلُّفُ عَنِ السَّبْقِ مَعَ الْأَبْرَارِ فَقَدْ أَقَامْتَنِي الثَّقَةَ بِكَ عَلَى مَدَارِحِ الْأَخْيَارِ

خدایا اگر تخلف از همراهی با نیکان مرا زمینگیر ساخته (و از درگاه تو دورم کرده) ولی امید و اطمینان به تو مرا در راه خوبان و اخبار انداخته

إِلَهِي قَلْبٌ حَشَوْتَهُ مِنْ مَحَبَّتِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا كَيْفَ تَطَّلِعَ عَلَيْهِ نَارٌ مُحْرِقَةٌ فِي لُظَى

معبودا چگونه دلی را که در دنیا از محبت خودت آکندی در دوزخ به آتش سوزان دچارش سازی؟

إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَأْيِيدِ إِيْمَانِكَ كَيْفَ تَذُلُّهَا بَيْنَ أَطْبَاقِ نِيرَانِكَ

معبودا چگونه جانی را که با نیروی ایمانت عزیز و محترم ساختی در میان طبقات آتش خوار و زبون گردانی؟

إِلَهِي لِسَانٌ كَسَوْتَهُ مِنْ تَمَاجِيدِكَ أَثْبِقْ أَثْوَابَهَا كَيْفَ تَهْوِي إِلَيْهِ مِنَ النَّارِ مُشْتَعِلَاتِ التَّهَابِهَا

معبودا چگونه زبانی را که بهترین جامه‌های تمجید خود را بدان پوشاندی، شعله‌های سوزان آتشت را بدان مأمور سازی؟

إِلَهِي كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِي وَكُلُّ مُحْزُونٍ إِلَيْكَ يَرْتَجِي

خدایا هر غمده‌ای بتو پناهنده گردد، و هر اندوهناکی روی امید به تو آرد

إِلَهِي سَمِعَ الْعَابِدُونَ بِجَزِيلِ ثَوَابِكَ فَخَشَعُوا وَسَمِعَ الزَّاهِدُونَ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ فَقَنَعُوا

معبودا عابدان، پاداش نیکو و شایانی تو را شنیدند و در برابرت خاشع گشتند، و زاهدان خبر رحمت پهناورت به گوششان خورد و قناعت کردند

وَسَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ عَنِ الْقَصْدِ بِجُودِكَ فَارْجَعُوا وَسَمِعَ الْمُجْرِمُونَ بِسَعَةِ غُفْرَانِكَ فَطَمَعُوا وَسَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ

بِكَرَمِ عَفْوِكَ وَفَضْلِ عَوَارِفِكَ فَارْغَبُوا

و کجروان راه حق، از جود و کرم تو با خبر شدند و بازگشتند، و بزهکاران از آمرزش وسیع تو مطلع گشتند و به طمع افتادند و مؤمنان عفو کریمانه و زیاده بخشیهایی معروف تو را شنیدند و مشتاق گشتند

حَتَّىٰ أَزْدَحِمْتَ مَوْلَايَ بِبَابِكَ عَصَائِبُ الْعُصَاةِ مِنْ عِبَادِكَ وَعَجَّتْ إِلَيْكَ مِنْهُمْ عَجِيجُ الضَّجِيجِ بِاللُّدْعَاءِ فِي بِلَادِكَ

و در نتیجه چنان شد ای سرپرستم که گروههای مختلف نافرمان و بندگان معصیت کارت هم به درگاه تو ازدحام کردند، در هر شهر و دیار شیونها به سوی تو سر دادند

وَلِكُلِّ أَمَلٍ قَدْ سَاقَ صَاحِبَهُ إِلَيْكَ مُحْتَا جَا وَقَلْبُ تَرَكَهُ وَجِيبُ خَوْفِ الْمَنْعِ مِنْكَ مُهْتَا جَا

و هر شیونی را آرزویی است که حاکی از نیازمندی صاحب آن است، و هر کدام را دلی است که اضطراب ترس جلوگیری تو آن را به هیجان آورده

وَأَنْتَ الْمَسْئُولُ الَّذِي لَا تَسْوُدُّ لَدَيْهِ وَجُوهُ الْمَطَالِبِ وَلَمْ تَرَزَّ ابْنَزِيلِهِ فَظِيَعَاتُ الْمَعَاتِبِ

و توئی آن خدای درخواست شده‌ای هستی که روی هر مطلب نزدت سیاه نشود، و بدان کس که بدرگاه تو فرود آید بارهای هلاکت بار فرود نیاید

إِلَهِي إِنْ أَخْطَأْتُ طَرِيقَ النَّظَرِ لِنَفْسِي بِمَا فِيهِ كَرَامَتُهَا فَقَدْ أَصَبْتُ طَرِيقَ الْفَزَعِ إِلَيْكَ بِمَا فِيهِ سَلَامَتُهَا

خدایا اگر در دقت برای انتخاب آنچه بزرگواری جانم در آنست بخطا رفته‌ام ولی در پیدا کردن راه پناهجویی به تو - در مورد آنچه سلامت من در آنست - خطا نکرده‌ام

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ نَفْسِي اسْتَسَعَدَّتْنِي مُتَمَرِّدَةً عَلَى مَا يُرَدِّيهَا فَقَدْ اسْتَسَعَدَّتْهَا الْآنَ

بِدُعَائِكَ عَلَى مَا يُنْجِيهَا

معبودا اگر نفس (بداندیشی) من راه سعادت مرا در ارتکاب گناهان هلاکت بار تشخیص داده بود ولی من اینک با دعای به درگاه تو برای آنچه موجب نجات آنست سعادت مندش کرده‌ام

إِلَهِي إِنْ عَدَانِي الْإِجْتِهَادُ فِي ابْتِغَاءِ مَنْفَعَتِي فَلَمْ يَعْدُنِي بِرُكْبِي فِي مَا فِيهِ مَصْلَحَتِي

خدایا اگر کوشش من در به دست آوردن آنچه به سود من بود به جائی نرسید ولی نیکی تو در مورد آنچه به صلاح من بود شامل حالم گردید

إِلَهِي إِنْ قَسَطْتُ فِي الْحُكْمِ عَلَى نَفْسِي بِمَا فِيهِ حَسْرَتُهَا فَقَدْ أَقْسَطْتُ الْآنَ بِتَعْرِيفِي إِيَّاهَا

مِنْ رَحْمَتِكَ إِسْفَاقَ رَأْفَتِهَا

خدایا اگر در حکم بر خویشتن از روی ستم رفتار کرده‌ام و آن را به حسرت و آه دچار ساختم، اما اینک با آشنا کردنش به رحمت و مهر مشفقانهات با او به عدالت رفتار کرده‌ام

إِلَهِي إِنْ أَجَحَفَ بِي قَلَّةُ الزَّادِ فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ فَقَدْ وَصَلْتُهُ الْآنَ بِذَخَائِرِ مَا أَعَدَدْتُهُ

مِنْ فَضْلِ تَعْوِيلِي عَلَيْكَ

معبودا اگر بی توشه‌گی در مسیر رسیدن به تو مرا به حال نابودی و هلاکت انداخته، ولی خود را به گنجینه‌های حیات بخشی که در دوران زندگی آماده کردم- یعنی همان امید بسیارم به تو- رسانده‌ام

إِلَهِي إِذَا ذَكَرْتُ رَحْمَتَكَ ضَحِكْتُ إِلَيْهَا وَجُوهٌ وَسَائِلِي وَإِذَا ذَكَرْتُ سَخَطَكَ بَكَتْ لَهَا عْيُونٌ مَسَائِلِي

خدایا هر گاه به یاد رحمت و مهر تو می‌افتم راههای وسیله گیریم بدیدن آن خندان و خرسند می‌شود، و هر گاه به یاد خشم و غضب تو می‌افتم دیده‌های مستلتم گریان می‌شود

إِلَهِي فَأَفِضْ بِسَجَلٍ مِنْ سِجَالِكَ عَلَى عَبْدٍ آيسٍ فَقَدْ أَتْلَفَهُ الظَّمَا وَأَحَاطَ بِخَيْطِ جِيدِهِ كَلَالُ الْوَنَى

معبودا! پیمانانه پری از آب رحمت خود را برای این بنده مستمند مقرر فرما که به راستی تشنگی او را از پای درآورده و ناتوانی و سستی رشته حیاتش را احاطه کرده

إِلَهِي أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ لَمْ يَرِجْ غَيْرَكَ بِدُعَائِهِ وَأَرْجُوكَ رَجَاءَ مَنْ لَمْ يَقْصِدْ غَيْرَكَ بِرَجَائِهِ

معبودا میخوانمت همانند کسی که جز تو در دعای خویش به دیگری امید ندارد و امیدوارم به تو چونان که امیدش را جز بدرگاه تو بجای دیگر نبرده

إِلَهِي كَيْفَ أَرُدُّ عَارِضَ تَطَلُّعِي إِلَيْ نَوَالِكَ وَإِنَّمَا أَنَا فِي اسْتِرْزَاقِي لِهَذَا الْبَدَنِ أَحَدُ عِيَالِكَ

معبودا چطور روی علم و دانشم را که به نعمت بخشی تو دارم از درگاه تو بگردانم در صورتی که با طلب روزی از تو برای این تنم یکی از نانخواران تو محسوب می‌شوم

إِلَهِي كَيْفَ أُسْكِتُ بِالْإِفْحَامِ لِسَانَ ضَرَاعَتِي وَقَدْ أَقْلَقَنِي مَا أَبْهَمَ عَلَيَّ مِنْ مَصِيرِ عَاقِبَتِي

خدایا چگونه زبان خواری و تضرع خود را بندم با اینکه سرنوشت مبهم و تاریکم مرا پریشان و مضطرب ساخته

إِلَهِي قَدْ عَلِمْتُ حَاجَةَ نَفْسِي إِلَى مَا تَكَفَّلْتَ لَهَا بِهِ مِنَ الرِّزْقِ فِي حَيَاتِي

خدایا تو خود به خوبی میدانی که این تن من چطور در زندگی به روزی تو که رساندنش را بعهده گرفته‌ای نیازمند است

وَعَرَفْتُ قِلَّةَ اسْتِغْنَائِي عَنْهُ مِنَ الْجَنَّةِ بَعْدَ وَفَاتِي

و دانائی که پس از مرگ نیازش به روزی در مقابل بهشت اندک است

فَيَا مَنْ سَمَحَ لِي بِهِ مُتَفَضِّلًا فِي الْعَاجِلِ لَا تَمْنَعْنِيهِ يَوْمَ فَاقَتِي إِلَيْهِ فِي الْآجِلِ

پس ای خدائی که از روی تفضل در این دنیای زودگذر به من کرم و بخشش فرمودی، در باز پسین یعنی روز نیازمندی من نیز عطا و کرم خود را از من دریغ مفرما

فَمِنْ شَوَاهِدِ نِعْمَاءِ الْكَرِيمِ اسْتِثْمَامُ نِعْمَائِهِ وَمِنْ مَحَاسِنِ الْآلَاءِ الْجَوَادِ اسْتِكْمَالُ الْآلَاءِ

زیرا از نشانه‌های نعمت بخشی شخص کریم آن است که آن را به پایان رساند، و از زیباییهای کرم جودمند آنست که آن را کامل گرداند

إِلَهِي لَوْلَا مَا جَهَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا شَكَوْتُ عَثْرَاتِي

خدایا اگر کارهای جاهلانه از من سر نزده بود اکنون از لغزشهای خویش شکوه‌ای نداشتم (و از آنها پوزش نمی خواستم)

وَلَوْلَا مَا ذَكَرْتُ مِنَ الْإِفْرَاطِ مَا سَفَحْتُ عِبْرَاتِي

و اگر بیاد کوتاهیهای که کرده‌ام نمی‌آفتادم سرشک (ندامت) از دیده نمی باریدم

إِلَهِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْحِ مُشَبَّاتِ الْعَثْرَاتِ بِمُرْسَلَاتِ الْعِبْرَاتِ

وَهَبْ لِي كَثِيرَ السَّيِّئَاتِ لِقَلِيلِ الْحَسَنَاتِ

خدایا پس او را درود فرست بر محمد و خاندان محمد و (ثانیا) آن لغزشهای یاد داشت شده‌ام را با این اشک های ریزانم پاک کن، و گناهان بسیارم را به حسنات اندکم ببخش

إِلَهِي إِنْ كُنْتَ لَا تَرْحَمُ إِلَّا الْمُجِدِّينَ فِي طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُقْصِرُونَ

خدایا اگر مهر و رحمت تو تنها شامل کوشایان در اطاعت و فرمانبرداریت گردد پس تقصیرکاران به که پناه برند؟

وَإِنْ كُنْتَ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ فَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمُفْرُطُونَ

و اگر جز کوشش‌کنندگان در عبادت را نه پذیری پس کوتاهی‌کنندگان بکه التجا کنند؟

وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْإِحْسَانِ فَكَيْفَ يَصْنَعُ الْمُسِيئُونَ

و اگر جز به نیکوکاران احسان نفرمائی پس گنهکاران بدکار چه کنند؟

## وَإِنْ كَانَ لَا يَفُوزُ يَوْمَ الْحَشْرِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ فَمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُنْبُونَ

و اگر به جز پرهیزکاران، شخص دیگری در روز رستاخیز برستگاری و سعادت نرسد پس بزهکاران مجرم به که استغاثه کنند؟

إِلَهِي إِنْ كَانَ لَا يَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ أَجَازَتْهُ بَرَاءَةٌ عَمَلِهِ فَأَنَّى بِالْجَوَازِ لِمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ إِلَيْكَ قَبْلَ انْقِضَاءِ أَجَلِهِ

معبودا! اگر از پل صراط جز آن کس که برات عبور اعمال نیکی دارد نگذرد، پس کسی که پیش از مرگ به درگاه تو توبه نکرده چگونه از آن عبور کند؟

إِلَهِي إِنْ لَمْ تَجِدْ إِلَّا عَلَى مَنْ قَدْ عَمَّرَ بِالزُّهْدِ مَكُونِ سِرِّيهِ فَمَنْ لِمُضْطَرِّ الَّذِي لَمْ يُرْضِهِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ سَعَى نَقِيبَتِهِ

خدایا اگر جز آنان که بوسیله زهد و پارسائی اندرون دل خویش را آباد کرده‌اند دیگری را مشمول جود و بخشش خویش قرار ندهی، پس آن بیچاره درمانده‌ای که کوشش در میان مردم جهان او را مورد پسند نکرده است به کجا رود؟

إِلَهِي إِنْ حَجَبْتَ عَنِّي مُوَحَّدِيكَ نَظَرَ تَعْمُدِكَ لَجِنَايَاتِهِمْ أَوْ قَعَهُمْ غَضَبِكَ بَيْنَ الْمُشْرِكِينَ فِي كُرْبَاتِهِمْ

خدایا اگر از کسانی که تو را به یکتاپرستی شناخته‌اند به خاطر کارهای زشتشان بدیده پرده پوشی و اغماض ننگری (بطور مسلم) خشم تو آنان را در میان مشرکان و سختیهای اندوه بارشان جای گیر سازد

إِلَهِي إِنْ لَمْ تَنْلِنَا يَدَ إِحْسَانِكَ يَوْمَ الْوُرُودِ اخْتَلَطْنَا فِي الْجَزَاءِ بِذَوِي الْجُودِ

معبودا اگر دست کرم و احسانت در روز محشر از ما دستگیری نکند (مسلمان) ما با مردمان کافر و منکر تو مخلوط و آمیخته خواهیم شد

اللَّهُمَّ فَأَوْجِبْ لَنَا بِالْإِسْلَامِ مَذْخُورَ هَبَاتِكَ وَاسْتَصِفْ مَا كَدَّرْتَهُ الْجَرَائِرُ مِنَّا بِصَفْوِ صَلَاتِكَ

خدایا به خاطر (دین) اسلام برای ما از بخششهای اندوخته‌ات مقرر فرما، و با آن جوایز پاک و خالص خود اعمال ناپاک و آلوده بگناهان ما را پاک و خالص فرما

إِلَهِي ارْحَمْنَا غُرْبَاءَ إِذَا تَضَمَّنَتْنا بَطُونُ حُودِنَا وَغَمَّيْتَ بِاللَّبَنِ سُقُوفَ بُيُوتِنَا

وَأُضِجْنَا مَسَاكِينَ عَلَى الْإِيمَانِ فِي قُبُورِنَا

خدایا به ما رحم فرما در هنگام بی کسی (یعنی) آنگاه که شکم قبر ما را در بر گیرد، و خشت لحد سقف خانه ما گردد و با حال نداری و بیچارگی ما را به دست راست در گورمان بخوابانند

وَحُلْفَنَا فُرَادَى فِي أَصْبِقِ الْمَضَاجِعِ وَصَرَ عَتْنَا الْمَنَائِي فِي أَعْجَبِ الْمَصَارِعِ وَصِرْنَا فِي دَارِ قَوْمٍ  
كَأَنَّهَا مَا هَوْلَةٌ وَهِيَ مِنْهُمْ بِلَاقِعُ

و در تنگترین خوابگاهها تک و تنها ما را بیندازند و بروند، و مرگ ما را در شگفت آورترین جایگاهها به زمین افکند،  
و در سرزمین مردمانی در آئیم که ظاهرا مسکون است ولی از سکنه خالی است

إِلَهِي إِذَا جِئْنَاكَ عُرَاءَ حُفَاةٍ مُعْبَرَةٍ مِنْ ثَرَى الْأَجْدَاثِ رُءُوسُنَا وَشَاحِبَةً مِنْ تُرَابِ الْمَلَا حِيدٍ وَجُوهُنَا

خدایا به ما ترحم فرما در آن روزی که به پیشگاهت در آئیم در حال برهنه‌گی و عریانی، و سرهائی گرد آلود از غبار گور،  
و روهای دگرگون از خاک لحد

وَخَاشِعَةً مِنْ أَفْزَاعِ الْقِيَامَةِ أَبْصَارُنَا وَذَابِلَةً مِنْ شِدَّةِ الْعَطَشِ شِفَاهُنَا

و دیده‌های سر بزیر از هراس رستاخیز و لبهائی خشکیده از شدت عطش

وَجَائِعَةً لَطُولِ الْمَقَامِ بَطُونَنَا وَبَادِيَةً هُنَالِكَ لِلْعُيُونِ سَوَاءٌ أَتْنَا وَمُوقَرَةً مِنْ ثِقَلِ الْأَوْزَارِ ظُهُورُنَا وَ

مَشْغُولِينَ بِمَا قَدَّ دَهَانَا عَنْ أَهَالِنَا وَأَوْلَادِنَا

و شکم‌هایی گرسنه از توقف طولانی، آن هنگامی که زشتیهای ما در برابر دیدگان مردم هویدا، و پشت ما از سنگینی گناهان  
خم گردیده، و سرگرم مصیبت‌های هستیم که از خاندان و فرزندانمان به ما رسیده

فَلَا تُضَعِّفِ الْمَصَائِبَ عَلَيْنَا يَا عَرَاضَ وَجْهِكَ عَنَّا وَسَلِّبِ عَائِدَةً مِثْلَهُ الرَّجَاءُ مِنَّا

(ای خدا) پس در آن (گیر و دار و آن) وقت با گرداندن روی بزرگواریت از ما مصیبت‌های ما را چندین برابر نفرما، و آن بهره‌های را که  
امیدواری ما در نظرمان مجسم ساخته از ما مگیر

إِلَهِي مَا حَنَّتْ هَذِهِ الْعُيُونُ إِلَى بُكَائِهَا وَلَا جَادَتْ مُتَسَرِّبَةً بِمَائِهَا وَلَا أَسْهَدَهَا بِنَحِيبِ الشَّاكِلَاتِ فَقَدْ عَزَّائِهَا

معبودا این دیدگان را چیزی مشتاق گریستن نکرده و آنها را جودمند به زیرش سرشک نساخته و بی‌آنکه عزادار کسی باشند از  
گریه‌های سختی چون گریه زنان جوانمرده بیدار نگاهشان نداشته

إِلَّا لِمَا أَسْلَفْتَهُ مِنْ عَمْدِهَا وَخَطَائِهَا وَمَا دَعَاهَا إِلَيْهِ عَوَاقِبُ بَلَائِهَا وَأَنْتَ الْقَادِرُ يَا عَزِيزُ عَلَى كَشْفِ غَمَائِهَا

جز همان کارهای گذشته‌ای که از روی عمد و خطا انجام داده، و جز آنچه از عواقب بلای خویش بنگرند،  
و تو ای خدای عزیز قدرت و توانائی داری که غمشان را بزدائی

إِلَهِي إِنْ كُنَّا مُجْرِمِينَ فَإِنَّ نَبِيَّكَ عَلَيَّ إِضَاعَتِنَا مِنْ حُرْمَتِكَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ وَإِنْ كُنَّا مُحْرَمِينَ  
فَأِنَّ نَبِيَّكَ إِذْفَاتَنَا مِنْ جُودِكَ مَا نَطْلُبُهُ

معبودا اگر ما مجرم و بزهکار هستیم گریه‌مان بر این است که چرا آن قسمت از حرمت تو را که سزاوارش بودیم ضایع کردیم، و اگر  
محرومیم گریه‌مان برای آنست که چرا جود تو را که در جستجویش بودیم از دست دادیم

إِلَهِي شَبَّ حَلَاوَةٌ مَا يَسْتَعَذِبُهُ لِسَانِي مِنَ النُّطْقِ فِي بَلَاغَتِهِ بِزَهَادَةٍ مَا يَعْرِفُهُ قَلْبِي مِنَ النُّصْحِ فِي دَلَالَتِهِ  
خدایا شیرینی آنچه را زبانم با بلاغت در لطفش جویای شیرینی آن است، به پارسائی آنچه دلم از خیرخواهی  
در راهنمائی‌اش آگاه است آمیخته گردان

إِلَهِي أَمَرْتِ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتِ أَوْلَى بِهِ مِنَ الْمَأْمُورِينَ وَأَمَرْتِ بِصِلَةِ وَأَنْتِ خَيْرُ الْمَسْئُولِينَ

خدایا تو به نیکی دستور دادی و تو خود سزاوارتری به نیکی کردن، و تو بعطا در برابر سؤال دستور فرمودی  
و تو خود بهترین سؤال شدگانی

إِلَهِي كَيْفَ يَنْقُلُ بِنَا الْيَأْسُ إِلَى الْإِمْسَاكِ عَمَّا لَهَجْنَا بِطِلَابِهِ وَقَدِ ادَّرَعْنَا مِنْ تَأْمِينِنَا إِيَّاكَ أَسْبَغَ أَثْوَابِهِ

خدایا چگونه نومیدی به ما راه یابد تا زبان از درخواست ببندیم در صورتی که کاملترین جامه آرزو را به تن کرده‌ایم

إِلَهِي إِذَا هَزَّتِ الرَّهْبَةُ أَفْنَانَ مَخَافَتِنَا انْقَلَعَتْ مِنَ الْأُصُولِ أَشْجَارُهَا وَإِذَا تَنَسَّمَتْ أَرْوَاحُ الرَّغْبَةِ مِنَّا  
أَغْصَانُ رَجَائِنَا أَيْنَعَتْ بِتَلْقِيحِ الْبِشَارَةِ أَثْمَارُهَا

خدایا هر گاه (طوفان) هراس شاخه‌های بیم و ترس ما را به جنبش در آورد درختان را یکسره را از جای برکند، و هر گاه نسیم  
جانبخش اشتیاقمان به شاخه‌های درخت امید ما بوزد با تلقیح نوید و بشارت بارور و پر میوه گردد

إِلَهِي إِذَا تَلَوْنَا مِنْ صِفَاتِكَ شَدِيدَ الْعِقَابِ أَسِفْنَا

خدایا هر گاه در میان صفات تو «شدید العقاب» (سخت کیفر) را میخوانیم تأسف خوریم

## وَإِذَا تَلَوْنَا مِنْهَا الْغُفُورَ الرَّحِيمَ فَرَحْنَا

و هر گاه صفت «غفور رحیم» (آمرزنده مهربان) را برخوانیم شاد و خرسند گردیم

## فَنَحْنُ بَيْنَ أَمْرَيْنِ فَلَا سَخَطَكَ تُوْمِنُنَا وَلَا رَحْمَتَكَ تُؤْيِسُنَا

و بدین ترتیب ما در این میان مانده‌ایم زیرا نه خشم (کیفر بارت) ما را ایمن سازد و نه مهر و رحمتت ما را مأیوس گرداند

## إِلَهِي إِنْ قَصُرَتْ مَسَاعِينَا عَنْ اسْتِحْقَاقِ نَظْرَتِكَ فَمَا قَصُرَتْ رَحْمَتُكَ بِنَا عَنْ دِفَاعِ نَقْمَتِكَ

خدایا اگر کوششهای ما نتوانسته است تا ما را سزاوار توجه و نظر (کریمانه) ات کند ولی این اندازه هست که میتواند خشم تو را از ما دور سازد

## إِلَهِي إِنَّكَ لَمْ تَزَلْ عَلَيْنَا بِحُظُوظِ صَنَائِعِكَ مُنْعِمًا وَلَنَا مِنْ بَيْنِ الْأَقَالِمِ مُكْرِمًا وَتِلْكَ عَادَتُكَ اللَّطِيفَةُ

## فِي أَهْلِ الْخَيْفَةِ فِي سَالِفَاتِ الدُّهُورِ وَغَابِرَاتِهَا وَخَالِيَاتِ اللَّيَالِي وَبَاقِيَاتِهَا

خدایا تو پیوسته با نزول بهره‌های خلقتت به ما نعمت بخش بوده‌ای و از میان سایر اقالیم نسبت به ما بزرگواری بیشتری داشته‌ای و این عادت نیکوی تو نسبت بدین داران بوده، در زمانهای گذشته و آینده، و شبهای رفته و باقیمانده

## إِلَهِي اجْعَلْ مَا حَبَوْتَنَا بِهِ مِنْ نُورِ هِدَايَتِكَ دَرَجَاتٍ نَرْقَى بِهَا إِلَى مَا عَرَفْتَنَا مِنْ جَنَّتِكَ

خدایا آنچه از نور هدایت خویش به ما عطا فرمودی آن را نردبانی برای رسیدن ما به مهرت - آن مهری را که به ما شناساندی - قرار ده

## إِلَهِي كَيْفَ تَقْرَحُ بِصُحْبَةِ الدُّنْيَا صُدُورَنَا وَكَيْفَ تَلْتَمُّ فِي غَمْرَاتِهَا أُمُورَنَا وَكَيْفَ يَخْلُصُ لَنَا

## فِيهَا سُورُورُنَا وَكَيْفَ يَمْلِكُنَا بِاللَّهْوِ وَاللَّعِبِ غُرُورُنَا وَقَدْ دَعَيْنَا بِاقْتِرَابِ الْآجَالِ قُبُورُنَا

خدایا چگونه سینه‌های ما به مصاحبت دنیا شاد گردد، و چطور کارهای ما با سختیهای آن ملائم گردد، و چگونه خوشیها و شادیهای ما در آن خالص گردد، و چگونه غرور به وسیله لهو و لعب مالک و اختیار دار ما گردد، با اینکه گورها ما را به نزدیک شدن مرگمان دعوت کند و (به سوی خود) کشاند.

## إِلَهِي كَيْفَ نَبْتَهِّجُ فِي دَارِ حُفْرَتِ لَنَا فِيهَا حَفَائِرُ صَرَغَتِهَا وَفَتَلَتْ بِأَيْدِي الْمَنَايَا حَبَائِلَ غَدَرَتِهَا وَ

## جَرَعْنَا مُكْرَهِينَ جُرْعَ مَرَارَتِهَا

خدایا چطور شادمان شویم در خانه‌ای که گودالهائی برای افتادن سر راه ما کنده، و با مرگ و مردن طنابهای نیرنگ خود را به هم بافته، و جرعه‌های تلخ خود را به اکراه (و زور) به گلوی ما ریخته

وَدَلَّتْنَا النَّفْسُ عَلَى انْقِطَاعِ عَيْشَتِهَا لَوْلَا مَا صَعَتَ إِلَيْهِ هَذِهِ النَّفْسُ مِنْ رَفَائِعِ لَذَّتِهَا

وَافْتَتَانِهَا بِالْفَانِيَاتِ مِنْ فَوَاحِشِ زِينَتِهَا

و جانمان ما را به ادامه نداشتن زندگی راهنمایی کرده- البته اگر این جهت نبود که این نفسهای ما به خاطر لذت‌های به ظاهر فریبنده و فراخس به سخنان او گوش فرا داده و به زر و زیور پست و نابودشدنی آن مفتون و فریفته گشته

إِلَهِي فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدَعَتِهَا وَبِكَ نَسْتَعِينُ عَلَى عُبُورِ قَنَظَرَتِهَا وَبِكَ نَسْتَفْطِمُ الْجَوَارِحَ عَنْ

أَخْلَافِ شَهْوَتِنَا وَبِكَ نَسْتَكْشِفُ جَلَابِيبَ حَيْرَتِهَا وَبِكَ نُقَوِّمُ مِنَ الْقُلُوبِ اسْتِصْعَابَ جَهَالَتِهَا

خدایا با این وضع ما از بدسگالی نیرنگ‌های دنیا به تو پناهنده میشویم، و برای عبور از پل این دنیا از تو کمک خواهیم، و به کمک تو اعضا و جوارح خود را از باقیمانده شهواتش باز میداریم و به یاری تو جامه‌های حیرت را از او بیرون می‌آوریم، و به وسیله تو از دلها سختی جهالتش را برطرف سازیم

إِلَهِي كَيْفَ لِلدُّورِ بَأَنْ تَمْنَعَ مِنْ فِيهَا مِنْ طَوَارِقِ الرِّزَايَا وَقَدْ أُصِيبَ فِي كُلِّ دَارٍ سَهْمٌ مِنْ أَسْهُمِ الْمَنَايَا

خدایا چگونه خانه‌ها می‌توانند ساکنین خود را از ورود بلاها محافظت کنند با اینکه در هر خانه‌ای (لا اقل) یک تیر از تیرهای مرگ اصابت کرده؟

إِلَهِي مَا تَتَفَجَّعُ أَنْفُسَنَا مِنَ الثَّقَلَةِ عَنِ الدِّيَارِ إِنْ لَمْ تَوْحِشْنَا هَذَا لِكَ مِنْ مُرَافَقَةِ الْأَبْرَارِ

خدایا جانهای ما را از انتقال به سوی آن سرا نگرانی و اضطرابی ندارد اگر در اثر دوری و رفاقت نداشتن با نیکان بوحشت نیفتد

إِلَهِي مَا تَضِيرُنَا فُرْقَةُ الْأَخْوَانِ وَالْقَرَابَاتِ إِنْ قَرَّبْتَنَا مِنْكَ يَا ذَا الْعَطِيَّاتِ

خدایا جدائی از یاران و خویشان به ما زیان نزند اگر این جدائی سبب نزدیکی به تو گردد ای دارنده عطاها!

إِلَهِي مَا تَحْفُ مِنْ مَاءِ الرَّجَاءِ مَجَارِي لَهَوَاتِنَا إِنْ لَمْ تَحْمُطِ طَيْرُ الْأَشَائِمِ بِحِيَاضِ رَغَبَاتِنَا

خدایا جویهای هوا و هوس ما از آب امید خشک نگردد اگر بوم‌های میثوم در اطراف چشمه‌های اشتیاق ما بپرواز در نیاید

إِلَهِي إِنْ عَذَّبْتَنِي فَعَبْدُ خَلْقَتَهُ لِمَا أَرَدْتَهُ فَعَذَّبْتَهُ وَإِنْ رَحِمْتَنِي فَعَبْدٌ وَجَدْتَهُ مُسِيئًا فَأَجَبْتَهُ

خدایا اگر عذابم کنی بنده‌ای را عذاب کرده‌ای که او را برای منظور خویش آفریده‌ای و سپس عذابش کرده‌ای،

و اگر مورد مهر خویش قرارم دهی بنده‌ای است که گنهکارش یافته و نجاتش داده‌ای

إِلَهِي لَا سَبِيلَ إِلَى الْإِحْتِرَاسِ مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ وَلَا وُصُولَ إِلَى عَمَلِ الْخَيْرَاتِ إِلَّا بِمَشِيَّتِكَ

فَكَيْفَ لِي بِإِفَادَةِ مَا أَسْلَفْتَنِي فِيهِ مَشِيَّتِكَ وَكَيْفَ لِي بِالْإِحْتِرَاسِ مِنَ الذَّنْبِ مَا إِن لَمْ تُدْرِكْنِي فِيهِ عِصْمَتُكَ

معبودا راهی به نگهداری از گناه نیست جز به نگهداری تو، و وسیله‌ای برای رسیدن به کارهای نیک نیست، جز به مشیت و اراده تو، پس کجا توانم به گذشته‌های خود که مشیت تو در آن گذشته است دسترسی پیدا کنم، و کجا توانم از گناه خودداری کنم اگر نگهداریت شامل حالم نگردد!

إِلَهِي أَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَى سُؤَالِ الْجَنَّةِ قَبْلَ مَعْرِفَتِهَا فَأَقْبَلْتِ النَّفْسَ بَعْدَ الْعِرْفَانِ عَلَى مَسْأَلَتِهَا أَفْتَدُلُّ عَلَى

خَيْرِكَ السُّؤَالِ ثُمَّ تَمَنَعَهُمُ النَّوَالِ وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ مَا تَصْنَعُهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

خدایا تو مرا به درخواست بهشت راهنمایی کردی پیش از آنکه آن را بشناسم و چون آن را شناختم نفس من به درخواست آن از تو اقدام کرد، آیا (ممکن است) درخواست کنندگان را به نیکی خود راهنمایی کنی و آنگاه (که از تو خواستند) عطای خود را از ایشان بازداری؟ و تو در هر کاری که انجام دهی بزرگوار و پسندیده هستی ای صاحب جلالت و بزرگواری

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرُ مُسْتَوْجِبٍ لِمَا أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ التَّفَضُّلِ عَلَى بَكْرَمِكَ

فَالْكَرِيمُ لَيْسَ يَصْنَعُ كُلَّ مَعْرُوفٍ عِنْدَ مَنْ يَسْتَوْجِبُهُ

خدایا اگر من سزاوار آن مهرت که از تو امید دارم نباشم ولی تو شایسته آنی که با کرم و بزرگواری خویش بر من تفضل فرمائی، زیرا شخص کریم چنان نیست که تنها به کسی که شایستگی دارد نیکی کند

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرُ مُسْتَأْهِلٍ لِمَا أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تَجُودَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ

خدایا اگر من شایسته آن مهرت که امید آن را دارم نباشم، ولی تو چنانی که با فراخانی رحمت نسبت به گنهکاران جود و کرم فرمائی

إِلَهِي إِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ أَخَافَنِي فَإِنَّ حُسْنَ ظَنِّي بِكَ قَدْ أَجَارَنِي

خدایا اگر چه گناهم مرا ترسان کند ولی (در عوض) خوش گمانیم به تو مرا پناه دهد

إِلَهِي لَيْسَ تَشْبِهُهُ مَسْأَلَتِي مَسْأَلَةَ السَّائِلِينَ لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا مَنَعَ أَمْتَنَعَ عَنِ السُّؤَالِ

وَأَنَا لَا غِنَاءَ بِي عَمَّا سَأَلْتُكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ

خدایا خواسته من همانند خواسته خواستاران (معمولی) نیست، زیرا اگر به خواستاری خواسته‌اش را ندهند از درخواست (مجدد) خودداری کند، ولی من چنانم که در هر حال (چه پاسخم دهی و چه ندهی) از درخواست تو بی‌نیاز نخواهم بود

إِلَهِي ارْضَ عَنِّي فَإِن لَّمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي فَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنِ عَبْدِهِ وَهُوَ عَنهُ غَيْرُ رَاضٍ

خدایا از من درگذر، و اگر نگذری مرا ببخش زیرا گاهی است که آقا (و بزرگ) با اینکه از بنده‌اش راضی نیست او را می‌بخشد

إِلَهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَأَنَا أَنَا أَمْ كَيْفَ أَيَّاسُ مِنْكَ وَأَنْتَ أَنْتَ

خدایا چگونه بخوانمت با اینکه من همان منم (و همان بنده گنهکارم) و چگونه از درگاه تو مأیوس و ناامید گردم  
با اینکه تو همان توئی (که کرمت نامتناهی است)

إِلَهِي إِنَّ نَفْسِي قَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَصَنَعْتَ بِهَا مَا يُشْبِهُكَ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ

خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده و خوش اعتمادی من به تو سایه بر سرم افکنده و تو آن گونه که در خور چون توئی است  
نسبت به من رفتار کن و مرا با عفو و گذشت خویش در بر گیر

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَائِلَ عَلَيَّ فَإِنَّ  
عَفْوَتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ هُنَالِكَ

خدایا اگر مرگم نزدیک گشته و کردارم مرا به تو نزدیک ساخته من همان اعتراف به گناهم را وسیله کوتاهی کردن و تقصیرات  
خویش قرار میدهم. خدایا در این صورت اگر بگذری پس کیست که از تو بدین کار سزاوارتر باشد،  
و اگر عذاب کنی پس کیست که در حکم عدالتش بیشتر باشد

إِلَهِي إِنِّي جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا وَبَقِيَ نَظْرُكَ لَهَا فَالْوَيْلُ لَهَا إِنْ لَمْ تَسَلِّمْ بِه

خدایا من بر خویشتم ستم کردم بدانسان که من بدان نگرستم و توجه کردم و تنها (وسیله نجاتش) توجه و نظر (مهربانانه) تو است  
که نسبت بدو باقی مانده، پس وای به حالش اگر آن توجه و نظر خود را از او دریغ داری

إِلَهِي إِنَّكَ لَمْ تَزَلْ بِي بَارًا أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرَكَ عَنِّي بَعْدَ وَفَاتِي

خدایا تو پیوسته در دوران زندگی به من احسان و نیکی فرمودی، این احسانت را پس از مرگ نیز از من دریغ مفرما

إِلَهِي كَيْفَ أَيَّاسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي أَيَّامِ حَيَاتِي

خدایا چگونه از توجه نیکوی تو نسبت به خود پس از مرگم ناامید گردم با اینکه در تمام دوران زندگی  
جز به احسان و نیکی سرپرستیم نکردی

إِلَهِي إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ أَخَافَتْنِي وَمَحَبَّتِي لَكَ قَدْ أَجَارَتْنِي فَتَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعُدَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مِنْ غَمْرِهِ جَهْلُهُ

خدایا گناهم مرا ترسانده ولی (در عوض) دوستی و محبتی که به تو دارم مرا در پناه خویش گرفته، و تو در مورد کار من بدانسان که خود شایسته آنی سرپرستی فرما و بازگرد بفضل و بخشش خویش بر کسی که نادانیش او را در کام خود فرو برده

يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي مَا قَدْ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ مِنْ أَمْرِي

ای که هیچ پنهانی بر او پوشیده نیست درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و بیامر از من آنچه را که بر مردم پوشیده است

إِلَهِي سَتَرْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا ذُنُوبًا وَلَمْ تُظْهِرْهَا وَأَنَا إِلَى سِتْرِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْوَجُ وَقَدْ أَحْسَنْتَ بِي إِذْ لَمْ

تُظْهِرْهَا لِالْعَصَابَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا تَفْضَحْنِي بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُبُّوْسِ الْعَالَمِينَ

خدایا گناهایی را در این دنیا بر من پوشاندی و برای کسی آنها را آشکار نساختی و من نیازم بپوشاندن آن گناهان در روز قیامت بیشتر از دنیا است، و تو براستی که در دنیا این احسان را درباره من فرمودی که برای مردم مسلمان آنها را آشکار نساختی پس (ای خدای من) در روز قیامت نیز در حضور جهانیان (با آشکار ساختن آنها) رسوایم نفرما

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرُكَ قَبَلَ عَمَلِي فَسَرَّنِي بِبِلْقَائِكَ عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي

خدایا جود و کرم تو آرزویم را گستاخ کرده، و سپاسگزاریت عملم را پذیرفته، پس مرا در هنگام نزدیک شدن مرگم بیدار خویش مسرور و شادکام فرما

إِلَهِي لَيْسَ اعْتِدَارِي اعْتِدَارَ مَنْ يَسْتَعْنِي عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَأَقْبَلْ عُذْرِي يَا خَيْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

خدایا عذر خواهی من به درگاهت عذر خواهی آن کسی نیست که از پذیرش عذر خویش بی نیاز گشته باشد، پس عذر مرا بپذیر ای بهترین کسی که گنهکاران بدرگاهش عذرخواهی کنند

إِلَهِي لَا تَرُدَّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ وَهِيَ الْمَغْفِرَةُ

خدایا از درگاهت مرانم در مورد حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن سپری کرده‌ام که همان آمرزش است

إِلَهِي إِنَّكَ لَوَأْرَدْتَ إِهَانَتِي لَمْ تَهْدِنِي وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تَسْتُرْنِي فَمَتَّعْنِي بِمَالِهِ

قَدْ هَدَيْتَنِي وَأَدْرَمِلِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي

خدایا اگر خواری مرا خواسته بودی هدایتم نمی‌کردی، و اگر رسوائیم را میخواستی مرا نمی‌پوشاندی، پس ای خدا مرا به همان که هدایتم کردی بهره‌مند ساز، و همان را که بدان مرا پوشاندی برایم مستدام دار

إِلَهِي مَا وَصَفْتُ مِنْ بَلَاءٍ اِبْتَلَيْتَنِيهِ اَوْ اِحْسَانٍ اَوْلَيْتَنِيهِ فَكُلُّ ذَلِكَ بِمَنِّكَ فَعَلْتَهُ وَعَفْوُكَ تَمَامُ ذَلِكَ اِنْ اَتَمَمْتَهُ

خدایا هر بلائی که مرا بدان آزمودی یا هر احسانی را که به من عطا کردی یا هر نیکی که به من دادی همه از روی فزونبخشی تو بود که انجام دادی و عفو و گذشتت سبب کمال و تمامی آنها است اگر بخواهی کاملش سازی

إِلَهِي لَوْلَا مَا قَرَفْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا فَرِقْتُ عِقَابَكَ وَلَوْلَا مَا عَرَفْتُ مِنْ كَرَمِكَ مَا رَجَعْتُ ثَوَابَكَ

وَأَنْتَ أَوْلَى الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ أَمَلِ الْأَمِلِينَ وَأَرْحَمُ مَنْ اسْتَرْحَمَ فِي تَجَاوُزِهِ عَنِ الْمَذْنِبِينَ

خدایا اگر مرتکب گناهان نمی‌شدم گرفتار عقاب و کیفر تو نمی‌شدم و اگر از بزرگواریت باخبر نبودم امید پاداش نیکت را نداشتم، و تو شایسته ترین بزرگوارانی که آرزوی آرزومندان را تحقیق بخشی، و پرمهرترین کسانی هستی که مهرش را درخواست کنند در مورد گذشت از گنهکاران

إِلَهِي نَفْسِي تُمَنِّي بِأَنَّكَ تَغْفِرُ لِي فَأَكْرَمِيهَا أُمْنِيَةً بَشَّرْتَ بِعَفْوِكَ فَصَدَّقْ بِكَرَمِكَ مُبَشِّرَاتِ تَمَنِّيهَا

وَهَبْ لِي بِجُودِكَ مُدَمَّرَاتِ تَجَنِّيهَا

خدایا دلم مرا آرزومند کند که تو مرا می‌آمیزی و چه خوب آرزویی است که دارد، تو به عفو و گذشتت مژده دادی پس آنچه را موجب نوید و مژده است و دل آرزویش را دارد به وسیله بزرگواریت آن را تحقق ده، و آن جنایات هلاکت باری را که انجام داده‌ام بحدود و کرم بر من ببخش

إِلَهِي أَلْقَيْتَنِي الْحَسَنَاتُ بَيْنَ جُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَلْقَيْتَنِي السَّيِّئَاتُ بَيْنَ عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ

وَقَدَّرَ جَوَّتُ الْأَيُّضِ بَيْنَ ذَيْنِ مَسِيءٍ وَمُحْسِنٍ

خدایا کارهای نیک مرا میان جود و کرمت انداخته، و کارهای زشت مرا در میان گذشت و آمرزش قرار داده، و من امید آن دارم که یک شخص گنهکار و نیکوکار در این میان ضایع نگردد

إِلَهِي إِذَا شَهِدْتَنِي عَلَى إِيمَانٍ بِتَوْحِيدِكَ وَأَنْطَلَقَ لِسَانِي بِتَمَجِيدِكَ وَذَلَّنِي الْقُرْآنُ عَلَى فَوَاضِلِ جُودِكَ

فَكَيْفَ لَا يَبْتَهِجُ رَجَائِي بِحُسْنِ مَوْعُودِكَ

خدایا هنگامی که ایمان (من) بر توحید (و یگانه پرستی) تو گواهی دهد، و زبانم به ستایش و تمجیدت گویا باشد، و قرآن مرا به زیاده بخشیهای کرمت راهنمائی کند چگونه (روی) امیدم از وعده نیکویت شکفته نگردد

إِلَهِي تَتَابَعُ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ يَدُلُّنِي عَلَى حُسْنِ نَظْرِكَ لِي فَكَيْفَ يَشْقَى امْرُؤٌ حَسُنَ لَهُ مِنْكَ النَّظَرُ

معبود! احسانهای پی در پی تو نسبت به من مرا راهنمائی کند که نظر خوشی درباره‌ام داری، پس چگونه بدبخت شود کسی که نظر تو نسبت به او خوش باشد

إِلَهِي إِنْ نَظَرْتُ إِلَىٰ بِالْهَلَكَةِ عُمُونَ سَخَطِكَ فَمَا نَامَتْ عَنْ اسْتِنْقَازِي مِنْهَا عُمُونَ رَحْمَتِكَ

خدایا اگر چشم های خشم بارت دیده نابودی به من بنگرد، در مقابل دیده های مهرت که در صدد نجات منند دیگر به خواب نروند

إِلَهِي إِنْ عَرَّضَنِي ذَنْبِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ أَدْنَانِي رَجَائِي مِنْ ثَوَابِكَ

خدایا اگر گناهم مرا در معرض کیفرت قرار داده ولی امیدم مرا به پاداش نیکویت نزدیک ساخته

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَبِفَضْلِكَ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَبِعَدْلِكَ فَيَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ وَلَا يَخَافُ إِلَّا عَدْلَهُ صَلِّ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآمِنُ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ وَلَا تَسْتَقْصِ عَلَيْنَا فِي عَدْلِكَ

خدایا اگر ببخشی به فضل خود بخشیده ای و اگر عذاب کنی از روی عدل تو است، پس ای خدائی که جز فضلش امید نرود، و جز از عدلش ترس دیگری نیست، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و با فضل خویش بر ما منت نه و با عدل خویش حساب ما را نکش

إِلَهِي خَلَقْتَ لِي جِسْمًا وَجَعَلْتَ لِي فِيهِ آيَاتٍ أَطِيعُكَ بِهَا وَأَعْصِيكَ وَأُغْضِبُكَ بِهَا وَأَرْضِيكَ

خدایا تنی برایم آفریده ای و ابزاری در آن به کار نهادی که (هم) میتوانم با آنها فرمانبرداریت کنم و هم نافرمانیت، و هم بدانها تو را به خشم آورم و هم به خشنودی

وَجَعَلْتَ لِي مِنْ نَفْسِي دَاعِيَةً إِلَى الشَّهَوَاتِ وَأَسْكَنْتَنِي دَارًا قَدُمِلْتُ مِنَ الْآفَاتِ

و در نفس من داعی (خواننده) به سوی شهوات و تمایلات را قرار دادی، و در خانه ای سکونتت دادی که پر است از آفات

ثُمَّ قُلْتَ لِي أَنْزِرْ فَبِكَ أَنْزِرْ وَبِكَ أَعْتَصِمُ وَبِكَ أَسْتَجِيرُ وَبِكَ أَحْتَرِزُ

آنگاه به من فرمودی خود را (از نافرمانی) نگهداری کن، و من به کمک تو خود را نگهدارم و به وسیله تو از گناه خودداری کنم، و به تو پناه جویم، و به یاری تو (از معصیت) احتراز جویم

وَأَسْتَوْفُكَ لِمَا يُرْضِيكَ وَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ فَإِنَّ سُؤَالَي لَا يُحْفِيكَ

و از تو توفیق خواهم تا موجبات خشنودیت را فراهم سازم، و از تو درخواست کنم ای سرپرست و مولایم زیرا که درخواست من تو را درمانده نکند

إِلَهِي أَدْعُوكَ دُعَاءَ مُدِحٍّ لَا يَمَلُّ دُعَاءَ مَوْلَاهُ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ تَضَرُّعَ مَنْ قَدَّ أَقْرَعَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحُجَّةِ فِي دَعْوَاهُ

خدایا تو را خوانم خواندن شخص اصرارورزی که از خواندن مولای خود خسته نشود، و به درگاہت زاری کنم  
همانند کسی که به خاطر داشتن دلیل و حجت در دعوا بر زیان خویش اقرار دارد

إِلَهِي لَوْ عَرَفْتُ اعْتِدَارًا مِنَ الذَّنْبِ فِي التَّنَصُّلِ أَبْلَغَ مِنَ الْإِعْتِرَافِ بِهِ لَأَتَيْتُهُ فَهَبْ لِي ذَنْبِي بِالْإِعْتِرَافِ  
وَلَا تَرُدَّنِي بِالْحَيْبَةِ عِنْدَ الْإِنصِرَافِ

خدایا اگر- از نظر پوزش خواهی از گناه- راهی برای تبرئه شدن رساتر از اعتراف بدان، سراغ داشتیم همان را به درگاہت می آوردیم.  
پس ای خدا با همین اعترافی که کرده ام گناهم را ببخش، و هنگام بازگشتم از درگاه خویش ناامیدم باز مگردان

إِلَهِي سَعَتَ نَفْسِي إِلَيْكَ لِنَفْسِي تَسْتَوْهِبُهَا وَفَتَحَتْ أَفْوَاهَ آمَالِهَا حَوَظْرَةَ مِنْكَ لَا تَسْتَوْجِبُهَا فَهَبْ  
لَهَا مَا سَأَلَتْ وَجُدْ عَلَيْهَا بِمَا طَلَبَتْ فَإِنَّكَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ أَمَلِ الْأَمَلِينَ

خدایا نفس من با اعتراف (به گناه) به درگاہت شتافته و بخشش را از تو خواهد، و دهانه های آرزوهایش را به سوی توجه و نظر  
(مهربانانه) تو باز کرده (آن نظر و توجهی را) که سزاوارش نیست پس ای خدا آنچه را درخواست کرده ام به او ببخش، و آنچه را  
جویایش هستم بدو کرم فرما که براستی تو در مورد تحقق بخشیدن به آرزوی آرزومندان بزرگوارترین بزرگوارانی

إِلَهِي قَدْ أَصَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا قَدْ عَرَفْتُ وَأَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي بِمَا قَدْ عَلِمْتَ فَاجْعَلْنِي عَبْدًا إِيمَانِيًّا  
فَأَكْرَمْتَهُ وَإِمَّا عَاصِيًا فَرَحِمْتَهُ

خدایا تو خود میدانی که من به چه گناہانی دست زده ام، و چسان بر جان خویشتم زیاده روی کرده ام، و در این صورت یا مرا بنده  
فرمانبرداری به حساب آر و مورد اکرام و بزرگواری خویش قرار ده و یا بنده نافرمانی منظورم کن و مشمول رحم و مهتت بفرما

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أَضْحَيْتُ فِي حُفْرَتِهَا وَأَنْصَرَفَ عَنْهَا الْمُتَّبِعُونَ مِنْ جِيرَتِهَا وَبَكَى الْغَرِيبُ عَلَيْهَا  
لِغُرْبَتِهَا وَجَادَ بِالْذُّمِّ عَلَيْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ عَشِيرَتِهَا

خدایا گویا خود را مشاهده میکنم که در گور خود به پهلو خفته و همسایگان و نزدیکان تشییع کننده از کنارش رفته و هر بیکی به  
بی کسی اش گریسته و دلسوزان فامیلش سرشگ از دیده ریخته

وَنَادَاهَا مِنْ سَفِيرِ الْقَبْرِ ذُو مَوَدَّتَيْهَا وَرَحِمِهَا الْمُعَادِي لَهَا فِي الْحَيَاةِ عِنْدَ صَرَ عَتَيْهَا

وَلَمْ يَخْفِ عَلَى النَّاطِرِينَ إِلَيْهَا عِنْدَ ذَلِكَ ضُرْفَاقَتَيْهَا وَلَا عَلَى مَنْ رَأَاهَا قَدْ تَوَسَّدَتِ الثَّرَى عَجَزَ حَيْلَتَيْهَا

و دوستان و خویشان از لب گور او را صدا زده، همانها که در زمان زندگیش چون به زمین می افتاد به دشمنیش برمیخاستند، و به حالی افتاده که درماندگیش بر هیچ بیننده ای پوشیده نمانده، و بر هر که او را بدان حال خفته در گور بیند بیچارگیش پوشیده نباشد

فَقُلْتَ مَلَائِكَتِي فَرِيدُنَايَ عَنْهُ الْأَقْرُبُونَ وَوَحِيدُ جَفَاهُ الْأَهْلُونَ نَزَلَ بِي قَرِيبًا وَأَصْبَحَ فِي اللَّحْدِ غَرِيبًا

در آن وقت است که تو فرمائی: ای فرشتگان من این (بنده من) تک و تنهائی است که نزدیکان از او دور گشته، و بی کسی است که خاندانش به او جفا نموده اند، اکنون بر من درآمده و در لحد بیکس و تنها مانده

وَقَدْ كَانَلِي فِي دَارِ الدُّنْيَا دَاعِيًا وَلِنَظْرِي إِلَيْهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ مَرَا جِيًّا فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِكَ ضِيَا فَتِي

وَتَكُونُ أَرْحَمَ بِي مِنْ أَهْلِي وَقَرَابَتِي

و او کسی بود که در دنیا مرا میخواند، و به توجه و نظر من در چنین روزی نسبت به خود امیدوار بود، پس ای خدا در آن وقت است که تو به خوبی از من پذیرائی کنی، و از خاندان و خویشانم بمن مهربانتری

إِلَهِي لَوْ طَبَّقْتَ ذُنُوبِي مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَخَرَقْتَ النُّجُومَ وَبَلَغْتَ أَسْفَلَ الثَّرَى مَا رَدَدَنِي الْيَأْسُ

عَنْ تَوْقَعِ غُفْرَانِكَ وَلَا صَرَفِي الْقُنُوطِ عَنِ اتِّظَارِ رِضْوَانِكَ

خدایا اگر گناهانم میان زمین و آسمان را بیوشاند و ستارگان را بشکافت و تا قعر زمین رفته باشد ولی باز هم نومیدی از آمرزشت و یأس از رسیدن به خوشنودیت به من دست ندهد و در نتیجه نتواند (نومیدانه) مرا از درگاہت باز گرداند

إِلَهِي دَعَوْتُكَ بِالْدُّعَاءِ الَّذِي عَلَّمْتَنِيهِ فَلَا تَحْرِمْنِي جَزَاءَ كَذَا الَّذِي وَعَدْتَنِيهِ فَمِنَ النَّعْمَةِ أَنْ هَدَيْتَنِي لِحُسْنِ

دُعَائِكَ وَمِنْ تَمَامِهَا أَنْ تُوجِبَ لِي مَحْمُودَ جَزَائِكَ

معبودا (به همان ترتیب و) با همان دعائی که به من یاد دادی تو را خواندم پس مرا از آن پاداشی که وعده ام فرمودی محروم مفرما، نعمت تو بود که مرا به طرز نیکوی دعا به درگاہت هدایت کرد، و اتمام نعمت بدان است که مرا مشمول پاداش ستوده و نیکویت بگردانی

إِلَهِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَقَدْ أَحْبَبْتُكَ فَحَبَّةٌ اسْتَقَرَّتْ حَلَا وَتُهَا فِي قَلْبِي وَمَا تَتَعَقَدُ ضَمَائِرُ مُوَحِّدِيكَ

عَلَى أَنَّكَ تُبْغِضُ مُحِبِّيكَ

خدایا به عزت و جلال تو سوگند من چنان دوستت دارم که شیرینی و حلاوتش در دلم جایگیر گشته و این مطلب که «تو دوستدارانت را مبغوض داشته باشی» در دل یکتاپرستانت جایگیر نگردد (و این سخن را نپذیرند)

إِلَهِي أَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ وَلَسْتُ أَيَّاسٌ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِي يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ

خدایا من چشم به راه گذشت توأم همچنان که گنهکاران چشم به راهش هستند، و (از آن سو) از دریافت آن رحمت و مهرت نیز که نیکوکاران انتظارش را دارند مأیوس نیستم

إِلَهِي لَا تَغْضَبْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقْوَى لِغَضَبِكَ وَلَا تَسْخَطْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقْوَمُ لَسَخَطِكَ

خدایا به من غضب مکن که من نیرو و تاب غضب تو را ندارم و بر من خشم مکن که من نتوانم در برابر خشمت ایستادگی کنم

إِلَهِي النَّارِ رَبَّتْنِي أُمِّي فَلَيْتَهَا لَمْ تُرَبِّيَنِي أَمَّ لِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي

خدایا مگر مادر برای آتش (دوزخ) مرا پروریده، پس ای کاش مرا نپروریده بود؟  
و آیا برای شقاوت و بدبختی مرا زائیده پس ای کاش مرا نزائیده بود

إِلَهِي انْهَمَلْتِ عِبْرَاتِي حِينَ ذَكَرْتُ عَثْرَاتِي وَمَالَهَا لَا تَنْهَمِلُ وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي

وَعَلَى مَا ذَا يَهْجُمُ عِنْدَ الْبَلَاغِ مَسِيرِي

خدایا اشکم ریزان گردد در وقتی که لغزشهایم را یاد کنم ولی (نمیدانم) چرا اشکم ریزان نگردد با اینکه نمیدانم  
سرانجامم به کجا انجامد، و مسیرم به کجا پایان یابد

وَأَرَى نَفْسِي تُخَاتِلُنِي وَأَيَّامِي تُخَادِعُنِي وَقَدْ خَفَقَتْ فَوْقَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ وَرَمَقَتْنِي

مِنْ قَرِيبٍ أَعْيُنُ الْفَوْتِ فَمَا عُدْرِي وَقَدْ حَشَا مَسَامِعِي رَافِعُ الصَّوْتِ

و نفس خود را چنان بینم که به من نیرنگ زند، و روزگارم را مشاهده میکنم که مرا گول زند، در صورتی که بالهای مرگ بر سرم سایه افکنده، و دیدگانش از نزدیک مرا تحت نظر و نگاه خویش قرار داده، و با اینکه بانگ بلندش گوشهایم را پر کرده عذرم (در ارتکاب گناه و غفلت از مرگ) چیست؟

إِلَهِي لَقَدْ رَجَوْتُ مِمَّنْ أَلْبَسَنِي بَيْنَ الْأَحْيَاءِ ثَوْبَ عَافِيَتِهِ أَلَّا يَعْرِينِي مِنْهُ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ بِجُودِ رَأْفَتِهِ وَلَقَدْ

رَجَوْتُ مِمَّنْ تَوَلَّأَنِي فِي حَيَاتِي بِأَحْسَانِهِ أَنْ يَشْفَعَهُ لِي عِنْدَ وَفَاتِي بِغُفْرَانِهِ

خدایا من از آن بزرگواری که در میان زندگان جامه تندرستیش را به برم کرد امید آن دارم که با زیادی مهرش در میان مردگان برهنهام نسازد. و از آن کس که در دوران زندگی با احسان خود سرپرستیم کرد امیدوارم که هنگام مرگ همان را برای آمرزش واسطه و شفیعم گرداند.

يَا أَيِسَ كُلِّ غَرِيبٍ أَنِسَ فِي الْقَبْرِ غُرْبَتِي وَيَا ثَانِي كُلِّ وَحِيدٍ أَرْحَمَ فِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي وَيَا عَالِمَ السِّرِّ وَالنَّجْوَى

ای مونس هر بی کس، به بی کسی من در گور همدمی بخش، و ای همدم هر تک و تنها، به تنهاییم در قبر رحم فرما،  
و ای دانای هر راز و سخن درگوشی

وَيَا كَاشِفَ الصُّرِّ وَالْبَلْوَى كَيْفَ نَظَرَك لِي بَيْنَ سُكَّانِ الثَّرَى

و ای برطرف کننده سختی و گرفتاری نظرت در میان ساکنین این کره خاکی نسبت بمن چسان است!

وَ كَيْفَ صَنِيعُكَ إِلَيَّ فِي دَارِ الْوَحْشَةِ وَالْبَلَى فَقَدْ كُنْتَ بِي لَطِيفًا أَيَّامَ حَيَاةِ الدُّنْيَا

و رفتار نسبت به من در آن خانه وحشت و گرفتاری چگونه است! که تو در دوران زندگی این دنیا به من مهربان بودی

يَا أَفْضَلَ الْمُنْعِمِينَ فِي آيَاتِهِ وَأَنْعَمَ الْمُفْضِلِينَ فِي نِعْمَائِهِ

ای که در نعمت بخشی از همگان زیاده بخش تر، و انعام نعمتش (به بندگان) از همه بیشتر

اسْتَكْثَرْتُ أَيَادِيكَ عِنْدِي فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا وَضِقْتُ ذَرْعًا فِي شُكْرِي لَكَ بِحَزَائِهَا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَ

خدایا نعمتهائی که به من دادی (آنقدر) بسیار شد که از شمردنش عاجز گشته و طاقت سپاسگزاری و پاداشش را ندارم. پس تو را ستایش بر آن نیکی و احسانی که فرمودی، تو را ستایش بر عطائی که کردی و تو را سپاس بر گرفتاریت که دادی

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَوْ سَلَّ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمَدُ عَلَيْكَ

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَاعْرِفْ ذِمَّتِي الَّتِي بِهَا رَجَوْتُ قَضَاءَ حَاجَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش، و ای برترین کسی که شخص امیدوار بدو امید کند، من به عهد و پیمان دین اسلام به درگاهت توسل جویم، و به حرمت قرآن (کریم) بر تو تکیه و اعتماد کنم، و به حق محمد و خاندان محمد بدرگاهت تقرب جویم. پس درود فرست بر محمد و خاندان محمد- و آن عهد و پیمانی را که به وسیله آن امید روآشدن حاجتم را دارم (برسمیت) بشناس، به مهتر ای مهربانترین مهربانان.

## ثُمَّ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى نَفْسِهِ يُعَاتِبُهَا وَيَقُولُ

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام نفس خود را خطاب قرار داد در حالی که آن را سرزنش می کرد، در حالی که می گفت:

أَيُّهَا الْمُنَاجِي رَبِّهِ بِأَنْوَاعِ الْكَلَامِ وَالطَّالِبُ مِنْهُ مَسْكَنًا فِي دَارِ السَّلَامِ وَالْمُسَوِّفُ بِالتَّوْبَةِ عَامًا بَعْدَ عَامٍ

ای کسی که با انواع سخن با پروردگارت مناجات می کنی و از او منزلگاهی در بهشت برین طلب می کنی، اما توبهات را سال به سال به تأخیر می اندازی!

مَا أَرَاكَ مُنْصِفًا لِنَفْسِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَنْهَارِ

من تو را نسبت به خودت در میان مردم منصف نمی بینم.

فَلَوْ دَافَعْتَ نَوْمَكَ يَا غَافِلًا بِالْقِيَامِ وَقَطَعْتَ يَوْمَكَ بِالصِّيَامِ وَقَتَصَرْتَ عَلَى الْقَلِيلِ مِنْ لَعَقِ الطَّعَامِ وَ

أَحْيَيْتَ مُجْتَهِدًا لَيْلَكَ بِالْقِيَامِ كُنْتَ أَحْرَى أَنْ تَنَالَ أَشْرَفَ الْمَقَامِ

ای غافل، اگر خوابت را با شب زنده داری، کنار بزنی، و روزت را به روزه گره بزنی و به طعام اندک بسنده کنی و تلاشگرانه، شبت را به قیام زنده بداری، به رسیدن به بالاترین مقامها شایسته تری.

أَيُّهَا النَّفْسُ اخْلُطِي لَيْلَكَ وَنَهَارَكَ بِالذَّاكِرِينَ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْكُنِي رِيَاضَ الْخُلْدِ مَعَ الْمُتَّقِينَ

ای نفس! شب و روزت را با اهل ذکر بیامیز تا شاید در کنار متقیان در بهشت برین ساکن گردی.

وَتَشَبَّهِي بِنُفُوسٍ قَدْ أَفْرَحَ السَّهْرُ رِقَّةَ جُفُونِهَا وَدَامَتْ فِي الْخُلُوتِ شِدَّةُ حَيْنِهَا

وَأَبْكَى الْمُسْتَمِعِينَ عَوْلَةَ أُنْيُنِهَا وَالْآنَ قَسْوَةَ الضَّمَائِرِ ضَجَّةَ رَيْنِهَا

و به جانهایی شبیه شو که شب زنده داری نازکی پلکهای آنها را زخمی ساخت و شدت ضجهشان در خلوتها پایدار است و نالههای بلندشان، شنوندگان را می گریاند و ضجهشان قلبهای سخت را نرم می کند.

فَإِنَّهَا نَفُوسٌ قَدْ بَاعَتْ زِينَةَ الدُّنْيَا وَآثَرَتِ الْآخِرَةَ عَلَى الْأَوْلَى أُولَئِكَ وَفُدَّ الْكِرَامَةَ

يَوْمَ يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ وَيُحْشَرُ إِلَى رَبِّهِمْ بِالْحُسْنَى وَالسُّرُورِ الْمُتَّقُونَ.

این ها کسانی هستند که زینت دنیا را فروخته و آخرت را بر دنیا ترجیح دادند. اینها اهل کرامتند در روزی که اهل باطل دچار خسرانند و با نیکوئی و شادمانی متقیان در محضر پروردگارشان محشور می گردند.